چرا مقامات غربی نسبت به ماجراجویی رژیم صهیونیستی نگرانند؟

نزن بی‌بی! خطر داره بی‌بی

زهرا طیبی- علی ملکی
گروه نقد روز

عملیات «وعده صادق» ایران در پاسخ به جنایت رژیم صهیونیستی در حمله به کنسولگری ایران در دمشق، بزرگ‌تر از آن چیزی بود که صهیونیست‌ها تصور می‌کردند. اگرچه دستگاه سانسور رژیم، سخت‌ترین تدابیر را برای عدم انتشار این عملیات به کار گرفته و تلاش کرده تا ابعاد و خسارات این عملیات تنبیهی را کوچک نشان دهد اما واقعیت‌های میدان آنها را ناچار کرد تا پس از وقفه‌ای کوتاه، اعلام کنند که به این عملیات پاسخ خواهند داد. با این حال اما حامیان غربی رژیم که اگر حمایت آنها نبود، ضربه «وعده‌صادق» رژیم را فلج می‌کرد، به بنیامین نتانیاهو (بی‌بی)، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نسبت به خباثت‌هایی که در سر دارد، هشدار دادند. آن‌طور که در گزارش رسانه‌های غربی آمده جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا در گفت‌وگوها و تماس‌های تلفنی از نتانیاهو خواسته پاسخی به حمله ایران ندهد. آمریکا البته تنها کشوری نبود که به دلیل نگرانی از پاسخ دوم ایران، تل‌آویو را به خویشتن‌داری دعوت کرد. روزنامه صهیونیستی آحارونوت در جریان سفر وزرای خارجه انگلیس و آلمان به سرزمین‌های اشغالی، هدف این سفر را «تحت فشار قرار دادن اسرائیل برای عدم پاسخ به اقدام ایران» عنوان کرد. با این حال اما نتانیاهو اگر بخواهد همچنان در قدرت بماند، چاره‌ای جز جنگ‌افروزی ندارد اما با توجه به شرایط فعلی منطقه و درگیری‌های رژیم در شمال با حزب‌الله و در جنوب با حماس، گسترده‌ترشدن جبهه‌های درگیری، نه‌تنها نتانیاهو که می‌تواند صهیونیست‌ها را به پایان نزدیک‌تر کند.

نزاع با ایران؛ کابوسی مرگ‌بار

ایران عملیات روز یکشنبه خود را تنها یک «سیلی» برای «تنبیه رژیم صهیونیستی» خوانده است. از همین رو نیز صراحتا اعلام کرد اقدامی که در سرزمین‌های اشغالی انجام داد، ناظر به حمله اسرائیل به کنسولگری و براساس اصل دفاع مشروع بود و قصدی برای اقدام دیگر ندارد. اما با این وجود اعلام کرد که اگر خباثتی از سوی رژیم صهیونیستی صورت بگیرد، اسرائیل پاسخی بسیار بزرگ‌تر، دریافت خواهد کرد. شورای عالی امنیت ملی در بخشی از اطلاعیه خود درباره اقدام ایران علیه اسرائیل اعلام کرد: «چنانچه رژیم صهیونیستی بخواهد به اقدامات شرارت‌بار خود علیه ایران با هر ابزار، روش و در هر سطحی ادامه دهد، پاسخ حداقل ۱۰ برابر از همان نوع دریافت خواهد کرد.» ایران و رژیم صهیونیستی در چند دهه اخیر، تنش‌هایی تا بالاترین سطح را تجربه کرده‌اند. در سال‌های اخیر اسرائیل بارها مدعی آمادگی برای حمله پیش‌دستانه به تاسیسات هسته‌ای ایران شده و در این زمینه نیز رزمایش‌هایی انجام داده بود. در کنار این چنگ و دندان نشان دادن‌ها، رژیم دست به اقداماتی نظیر ترور دانشمندان هسته‌ای، اقدامات تروریستی با استفاده ازگروه‌های تروریستی در ایران و ایجاد ناامنی و ترور فرماندهان ایران در کشورهای ثالث به اقدام علیه ایران پرداخته است. با این حال اما این ایران بود که برای نخستین بار در واکنش به حمله به کنسولگری‌اش در دمشق، از خاک خودش پایگاه نظامی رژیم را هدف قرار داد.

اگرچه نتانیاهو برای باقی ماندن در قدرت، به دنبال گسترده‌تر کردن جنگ برای نجات از باتلاق غزه و حزب‌الله لبنان است اما اگر پاسخی به اقدام ایران بدهد چالش‌ها وارد مرحله تازه‌ای می‌شود؛ مرحله‌ای که قطعا اسرائیل نمی‌تواند به تنهایی از پس آن بربیاید. اسرائیل تا الان نیز نتوانسته بدون کمک آمریکا و دیگر متحدان غربی خود، جنگ را ادامه بدهد و حالا برای گسترده‌تر شدن درگیری‌ها قطعا به کمک آمریکا نیاز دارد؛ کمکی که آمریکا به دلیل بحران دیگری که در اوکراین به پا کرده و شرایط پیش رو، چندان مایل به آن نیست و از همین رو نیز به رژیم گفته که در اقدام علیه ایران، خواهان ورود به نزاع نیست.

آمریکا حوصله بحران تازه ندارد

حمایت یا عدم حمایت آمریکا یکی از اضلاع مهمی است که می‌تواند نقش موثری در تصمیم رژیم برای خباثت علیه ایران داشته باشد. رژیم به خوبی می‌داند که بدون حمایت مستقیم آمریکا، توان جنگ با ایران را ندارد. در شب عملیات وعده صادق نیز اگر مشارکت برخی کشورهای منطقه و قدرت‌های برتر ناتو (آمریکا، انگلیس و فرانسه) نبود، معلوم نبود به جای چندین موشک، چند ده موشک و پهپاد سامانه‌های دفاعی را سوراخ و سرزمین‌های اشغالی را به آتش می‌کشیدند؟ آمریکایی‌ها در حال حاضر به جز سرزمین‌های اشغالی، در اوکراین هم درگیر جنگ هستند. تا همین لحظه نیز جنگ رژیم با غزه، آمریکا را ناچار کرده تا نتواند از اوکراین همچون سابق پشتیبانی کند. این وضعیت به نحوی است که روز گذشته «دیمیتری کولبا» وزیر خارجه اوکراین در سخنانی از بی‌اعتنایی غرب به این کشور در مقابل روسیه به‌شدت انتقاد کرد و گفت: «احساس می‌کنیم که غرب دستانش را پشت کمرش گره کرده و ما را در جنگ تنها گذاشته است.»

علاوه‌براین، آمریکا در سال انتخاباتی قرار دارد. ادامه‌دار شدن جنگ غزه و حمایت آمریکا از جنایات رژیم در غزه، اعتراضات زیادی در آمریکا به همراه داشته است. برخی تحلیلگران احتمال می‌دهند با تداوم این وضعیت و با نزدیک‌تر شدن به انتخابات آمریکا، این درگیری‌ها شدت پیدا کند و این وضعیت روی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اثر بگذارد و منجر به اخراج بایدن از کاخ سفید شود. این اعتراضات حتی در میان دموکرات‌ها یعنی حامیان اصلی بایدن نیز وجود دارد و آنها معتقدند آمریکا باید سیاست خود را در قبال رژیم تغییر دهد. برمبنای نظرسنجی پولتیکو، ۴۱ درصد از دموکرات‌ها معتقدند آمریکا باید کمک‌های خود به اسرائیل را قطع کند. در چنین شرایطی ورود آمریکا به درگیری اسرائیل و ایران، میزان این نارضایتی‌ها را افزایش می‌دهد و از طرفی نیز زیان‌های مالی دوچندانی برای آمریکا به همراه خواهد داشت. براین اساس بایدن صراحتا اعلام کرده که به حمله مستقیم اسرائیل علیه ایران نخواهد پیوست.

جنگ با رژیمی در وسعت نصف آذربایجان شرقی

برخلاف ایران که وسعت قابل توجهی دارد، رژیم صهیونیستی یک کشور کوچک با ضربه‌پذیری بسیار بالاست. مساحت خاک سرزمین‌های اشغالی، تقریبا نصف استان آذربایجان شرقی است. این وسعت ناچیز، رژیم را در هر ماجراجویی بسیار آسیب‌پذیر می‌کند. این تفاوت معنادار وسعت سرزمینی، باعث شده تا حتی کارشناسان شبکه صهیونیستی اینترنشنال به صراحت به این مساله اشاره کنند و بگویند که مساحت ایران ۸۰ برابر سرزمین‌های اشغالی است و تا اسرائیل بخواهد نقاطی را در ایران مورد هدف قرار دهد، ایران زیرساخت‌های آنها را مورد هدف قرار می‌دهد.

ترس از پاسخ؛ مانع خباثت بی‌بی

حمله به ایران و نابودی آن، یکی از آرزوهای سران رژیم صهیونیستی در چند دهه اخیر بوده است. اما اینکه چرا آنها نتوانسته‌اند به این آرزو دست پیدا کنند، بی‌دلیل نیست. جدا از وسعت سرزمینی، رژیم با ظرفیت استراتژیک محدودی برای اقدام علیه ایران مواجه است. ایران از نظر جغرافیایی از اسرائیل دور است و این می‌تواند چالش‌های لجستیکی برای عملیات نظامی پایدار ایجاد کند. توانایی‌های نظامی اسرائیل شاید پیشرفته باشد اما این تسلیحات، تعیین‌کننده در هیچ جنگی نبوده‌اند که اگر چنین می‌بود، در سال ۲۰۲۴ نامی از حماس و حزب‌الله و جهاد اسلامی در هیچ رسانه‌ای شنیده نمی‌شد.

موضوع مهم‌تر از ظرفیت محدود استراتژیک رژیم، هراس سردمداران آن از اقدام تلافی‌جویانه ایران است. صهیونیست‌ها به‌خوبی می‌دانند هرگونه اقدام نظامی اسرائیل علیه ایران می‌تواند نه‌تنها از سوی ایران، بلکه از سوی متحدان ایران در منطقه، مانند حزب‌الله لبنان یا حماس در غزه همراه شود و یک درگیری گسترده‌تر با پیامدهای بسیار خطرناک برای رژیم به همراه داشته باشد. تل‌آویو همین الان نیز در محاصره نیروهای مقاومت است. این موضوعی است که نماینده رژیم در جلسه شورای امنیت هم به آن اشاره کرد. در نبرد طوفان الاقصی تقریبا تمام نیروهای مقاومت از جمله مقاومت عراق، حزب‌الله و انصارالله یمن نقش‌آفرینی داشتند، درحالی‌که ایران وارد جنگ با اسرائیل شود، به‌طور حتم دیگر جبهه‌های مقاومت نیز به درگیری با اسرائیل وارد خواهند شد و این کار را برای صهیونیست‌ها بسیار دشوار خواهد کرد. اسرائیلی‌ها نه‌تنها از توان نظامی ایران که حتی از درک توان عملیاتی نیروهای مقاومت هم اطلاعاتی ندارند و از این رو نیز مدام در صحنه جنگ با رونمایی از تسلیحات جدید غافل‌گیر می‌شوند. برای مثال اخیرا حزب‌الله در عملیات خود در سرزمین‌های اشغالی از پهپادهای نسل سوم استفاده کرد که گنبدآهنین و پدافندهای دیگر نتوانستند آن را رهگیری کنند. حال در چنین شرایطی اگر همه گروه‌ها برای پاسخ به حمله احتمالی اسرائیل متحد شوند، به‌نظر نمی‌رسد که اسرائیل بتواند سالم از این جنگ خارج شود.

شروع جنگ با ایران، اسرائیل را منزوی‌تر خواهد کرد

در حال حاضر رژیم صهیونیستی چه در میان افکار عمومی جهان و چه در مجامع بین‌المللی با فشارهای بین‌المللی مواجه است. رژیم صهیونیستی برای اولین‌بار به‌خاطر کشتارها و جنایاتی که در غزه مرتکب شده در دادگاه لاهه حضور پیدا کرده است. در طول ماه‌های گذشته سطح اقدامات و جنایت‌های رژیم آنقدر بالا رفته که حتی مقامات کشورهای اروپایی مجبور شدند، حداقل در لفظ اقدامات آنها را محکوم کنند. اگرچه آمریکا جلوی تصویب قطعنامه‌ها برای محکومیت اسرائیل را گرفته است اما درصورتی‌که اسرائیل بخواهد اقدامی علیه ایران انجام دهد، به‌دلیل تبعات این ماجراجویی با محکومیت جامعه بین‌المللی مواجه خواهد شد. این می‌تواند منجر به انزوای دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی یا سایر عواقبی شود که اسرائیل ممکن است بخواهد از آنها اجتناب کند. علاوه بر این شرایط فعلی منطقه، اقدامات نیروهای مقاومت معادلات منطقه‌ای را پیچیده کرده و باعث شده حتی اگر اسرائیل بخواهد مرتکب حماقتی شود، گزینه‌های او برای این کار محدود خواهد بود؛ چراکه هر اشتباه کوچکی برای پاسخ به اقدام ایران می‌تواند شرایط را برای اسرائیل دشوارتر کند. ممکن است به علت بالا بودن هزینه اقدام مستقیم، اسرائیلی‌ها از روش‌های غیرمستقیم برای دادن پاسخ استفاده کنند که هم به‌نوعی نسبت به اقدام ایران بی‌پاسخ نباشند هم هزینه قابل‌توجهی نیز متحمل نشوند.

ساکنان سرزمین‌های اشغالی توان شروع جنگ تازه را ندارند

اسرائیل درحال حاضر در دو جبهه در حال نبرد است، رژیم صهیونیستی در شمال سرزمین‌های اشغالی با حزب‌الله و در جنوب نیز با نیروهای حماس درگیر است. این درگیری‌ها منجر به آواره شدن چند صد هزار نفر از ساکنان این سرزمین‌ها شده است. در چنین شرایطی آغاز درگیری‌ها با ایران می‌تواند میزان آوارگان را به میلیون نفر برساند، درحالی‌که حتی مشخص نیست با ادامه درگیری‌ها، چیزی نیز از اسرائیل باقی بماند. بر همین اساس ساکنان سرزمین‌های اشغالی نیز چندان مایل به باز شدن جبهه دیگری در جنگ نیستند. سربازان اسرائیلی همچنان در حال مبارزه در شمال و جنوب سرزمین‌های اشغالی هستند، این موضوع تا حد زیادی ساکنان سرزمین‌های اشغالی و خانواده‌های نظامیان را دچار اضطراب کرده است، کمااینکه هنوز اتفاقی که در ۷ اکتبر رخ داد از خاطر ساکنان سرزمین‌های اشغالی پاک نشده و آنها نمی‌خواهند دوباره اتفاقات اینچنینی را حتی گسترده‌تر از ۷ اکتبر تجربه کنند.

اسرائیل با کمبود مهمات مواجه است

نگاهی به رسانه‌های خارجی نیز نشان می‌دهد، اسرائیل به‌لحاظ نظامی توانایی مقابله با ایران را ندارد. از همین رو هشدارهایی به رژیم برای راهکارهای دیگر به جز اقدام نظامی برای پاسخ به ایران داده شده است. پائول سلیم، مدیر «اندیشکده خاورمیانه» در یادداشت اخیر خود به این موضوع اشاره کرده که افزایش درگیری با ایران می‌تواند برای نتانیاهو مطلوب باشد؛ چراکه حداقل می‌تواند از این طریق و با راه انداختن یک جنگ دیگر، مدت زمان برکناری خود را عقب‌تر بیندازد و به این موضوع اشاره می‌کند که الان می‌بایست پیگیری دیپلماسی فوری برای جلوگیری از تشدید تنش بین ایران و اسرائیل در دستورکار قرار بگیرد و همزمان اقدام فوری برای برقراری آتش‌بس در غزه نیز مورد توجه قرار گیرد. این امر هم به پایان دادن رنج غزه کمک می‌کند و از لغزش منطقه به سمت یک جنگ بزرگ که برای اکثر کشورها و همچنین برای اقتصاد جهانی فاجعه‌بار خواهد بود، جلوگیری می‌کند. گاردین نیز در بررسی این موضوع که اگر اسرائیل و ایران وارد جنگ با یکدیگر شوند، کدام پیروز می‌شود به این موضوع اشاره کرده که جنگ منطقه‌ای به مقادیر زیادی تسلیحات، مهمات و موشک احتیاج دارد، درحالی‌که برخی گزارش‌ها از کمبود مهمات در جنگ غزه حکایت دارد و اگر برخلاف حمله اخیر که ایران آن را اطلاع داده بود، حملات بعدی بدون اطلاع اسرائیل صورت گیرد، احتمال اینکه سیستم دفاعی چندلایه اسرائیل در این حملات غرق شود بسیار بالا خواهد بود. گاردین همچنین در ادامه به این موضوع اشاره کرده درصورت درگرفتن یک جنگ، زیرساخت‌های اصلی سرزمین‌های اشغالی مثل نیروگاه‌ها، منابع آب و حمل‌ونقل آسیب خواهند دید و فشار زیادی به اقتصاد وارد خواهد شد. اندیشکده خاورمیانه نیز در یکی از مقالاتی که در مورد چگونگی پاسخ اسرائیل به ایران منتشر کرده به این موضوع اشاره می‌کند که چرخه‌ای از اقدامات نظامی با ایران، اوضاع را برای اسرائیل و منطقه پیچیده‌تر خواهد کرد، اسرائیل باید به‌دنبال راه‌حلی خلاقانه‌تر و پیچیده‌تر برای پاسخگویی باشد، شاید در مرحله بعدی و در راستای عملیات‌های مخفی قبلی. درک همین شرایط است که باعث شده تا مقامات غربی هر یک به نحوی به رژیم درباره خباثت‌هایی که در سر نتانیاهو و کابینه جنگی‌اش می‌گذرد، هشدار دهند. روز گذشته فیلمی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن سردار حجازی‌زاده، فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حاشیه مراسم رژه نیروهای مسلح به مناسبت روز ارتش، در پاسخ به سوال یک خبرنگار درباره واکنش اسرائیل به حمله سپاه و اینکه اگر تعرضی به خاک ایران داشته باشند، جمهوری اسلامی چه خواهد کرد؟ گفت: «صددرصد می‌زنیم، نگران نباشید. این پاسخ نشان می‌دهد عواقب ماجراجویی این‌بار به مراتب بالاتر از عملیات تنبیهی خواهد بود و ایران آماده پاسخی سهمگین است.»

صهیونیست‌ها علاوه‌بر سانسور، با انتشار اخبار دروغین درباره عملیات ایران، قصد حفظ آبروی رفته‌شان را دارند

دولت پینوکیو

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

مقامات اسرائیلی در نخستین روزهای پس از عملیات ۷ اکتبر برای از بین رفتن تصویر شکسته خورده خود در ساحت اطلاعاتی و نظامی، وعده نابودی حماس و بازگرداندن اسرایشان را به صهیونیست‌ها دادند. با گذشت چند ماه از این وعده، نابودی حماس جای خود را به نابودی بیماران، زنان و کودکان داد. بیمارستان‌های غزه با این توجیه که نیروهای حماس در آن مخفی شده‌اند، هدف قرار گرفت. نهایتا این رژیم به‌جای نابودی حماس ناچار به مذاکره با گروه‌های مقاومت بر سر مبادله اسرا شد. رژیم در میانه تنگنای غزه، دست به اقدامی احمقانه زد و ساختمان کنسولگری ایران را هدف قرار داد تا کمتر از دوهفته بعد، برای نخستین‌بار ایران با تکیه بر اصل دفاع مشروع و با هدف تنبیه رژیم پایگاه‌های نظامی تل‌آویو را با استفاده از موشک و پهپاد مورد هدف قرار دهد. رژیم همان‌گونه که در جنگ غزه تا این لحظه شکست خورده و برای تسکین درد آن ناچار به سانسور شدید در اعلام تلفات سربازان و تجهیزاتش است، در مورد تقابل با ایران- که به‌عنوان یک کشور توانمند در حوزه نظامی و امنیتی است- نیز همین سناریو را به اضافه دروغ‌های عجیب‌وغریب در دستورکار اتاق رسانه‌ای خود قرار داده است. مقامات رژیم صهیونیستی که خود را در پاسخ‌دهی به اقدام ایران ناتوان دیده، برای اینکه در افکار عمومی خود شکست‌خورده تلقی نشوند سعی در کوچک‌نمایی اقدام ایران دارند تا مجبور به واکنش نشوند و از پیامدهای واکنش مجدد ایران نیز در امان بمانند. جعل روایت اما اگر بیش از اندازه اغراق‌آمیز باشد صرفا دستاویزی برای بیشتر مضحکه شدن را فراهم می‌آورد، به‌ویژه آنکه اظهارات مقامات صهیونیستی حتی با داده‌هایی که توسط خود آنها منتشر شده است، تناقض دارد.

شوخی دفع ۹۹ درصدی

یکی از ادعاهایی که در همان دقایق ابتدای اقدام تقابلی ایران از جانب مقامات صهیونیست مطرح شده و به سرعت نیز توسط رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین بازتاب پیدا کرد، این بود که رژیم صهیونیستی ۹۹ درصد تهدیدات را با سامانه پدافند هوایی رهگیری کرده و باعث شد این عملیات تاثیر ناچیزی برجای بگذارد. فارغ از اطلاعات تکمیلی که از سوی رسانه‌های ایرانی در مورد موفقیت اهداف منتشرشده، این آمار حتی با اطلاعات ارائه‌شده توسط مقامات صهیونیستی نیز تناقض دارد. دانیل هاگاری، سخنگوی ارتش اسرائیل یکشنبه ۲۶ فروردین اعلام کرد جمهوری اسلامی در اقدام تقابلی خود با اسرائیل، بیش از ۳۰۰ پهپاد، موشک کروز و بالستیک را به خاک این کشور پرتاب کرده است. سخنگوی ارتش اسرائیل گزارش داد ۹۹ درصد از تهدیدات، از سوی سامانه پدافند هوایی رهگیری شد و تاثیری ناچیز برجای گذاشت. رسانه‌های غربی با استناد به داده‌های مقامات اسرائیل این آمار را شامل ۱۷۰ پهپاد، ۱۲۰ بالستیک و ۳۰ کروز دانسته‌اند که مجموعا ۳۲۰ پرتابه را شامل می‌شود. اگر برای صحت‌سنجی صرفا برخورد هفت موشک به پایگاه رامون را که ارتش اسرائیل به آن اعتراف کرده است، مدنظر قرار دهیم، متوجه می‌شویم میزان موفقیت عملیات با توجه به داده‌های منتشرشده ارتش اسرائیل، نزدیک ۳ درصد بوده و این بیشتر از آن چیزی است که هاگاری اعلام کرده است. ضمن اینکه این آمار صرفا مربوط به یک پایگاه هوایی است و اهداف دیگری نیز در سرزمین‌های اشغالی مورد اصابت قرار گرفته که رژیم صهیونیستی از دادن اطلاعاتی در مورد آن اجتناب کرده است. این البته آمار صهیونیست‌هاست و تفاوت فاحشی با آماری دارد که مقامات نظامی ایران به آن معتقدند.

همچنین آمار صهیونیست‌ها با آمار مقامات آمریکایی که مسئولیت هدایت سامانه‌های پدافندی مستقر در سرزمین‌های اشغالی را برعهده داشته‌اند نیز متناقض است. یک مقام ارشد آمریکایی در گفت‌وگو با شبکه ای‌بی‌سی نیوز اعلام کرد در مجموع ۹ موشک ایران به دو پایگاه هوایی صهیونیست‌ها اصابت کرده‌اند. همچنین باید اشاره کرد پهپادهای ایران صرفا با هدف مشغول کردن سامانه‌های پدافندی به آسمان رژیم صهیونیستی نزدیک شده و از ابتدا قرار نبوده هدفی را منهدم کنند، لذا پهپادها صددرصد به موفقیت رسیده‌اند و اگر در آمار نهایی صرفا تعداد موشک‌های بالستیک و کروز شلیک‌شده لحاظ شود باید گفت با استناد به منابع غربی مجموع این موشک‌ها ۱۵۰ عدد گزارش شده و اگر صرفا بخواهیم تعداد ۹ موشکی را که مطابق اطلاعات منابع آمریکایی به دو پایگاه هوایی برخورد کرده، لحاظ کنیم و سایر اهداف منهدم شده را نیز با ارفاق نادیده بگیریم، مجموعا ۶ درصد موشک‌ها مطابق با اطلاعات منتشرشده توسط منابع غربی به اهداف خود برخورد کرده‌اند.

جای مهاجمان و مدافعان اقصی عوض شد

رژیم صهیونیستی درحالی پس از اقدام تقابلی ایران دل به سازمان ملل و صدور قطعنامه ضدایرانی بسته بود که به‌دلیل حمله به کنسولگری ایران و نقض حقوق بین‌الملل و اصل مصونیت دیپلماتیک بعید به‌نظر می‌رسید دستاوردی کسب کند. رژیم از پیش باخته محسوب می‌شد اما تل‌آویو برای جعل روایت از هیچ اقدامی فروگذار نکرد و در جلسه شورای امنیت نیز اظهارت مضحکی را مطرح کرد. گیلعاد اردان، نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان ملل با نشان دادن تصویری از عبور موشک‌های ایران بر فراز مسجد الاقصی مدعی شد ایران به اماکن مقدس مسلمانان حمله کرده است. رژیم صهیونیستی درحالی چنین ادعایی را مطرح کرده و مدافع تاریخی مسجد الاقصی را به حمله به آن متهم می‌کند که یکی از اصلی‌ترین طرح‌های رژیم تخریب مسجدالاقصی و ساخت معبد سلیمان نبی در آن است. علاوه‌بر این، صهیونیست‌ها هر هفته برای نمازگزاران فلسطینی در مسجد الاقصی مشکل ایجاد می‌کنند و در بسیاری از مواقع مانع اقامه نماز می‌شوند.

پیروزی با سانسور شدید متناقض است

مقامات رژیم صهیونیستی درحالی‌که از انتشار هرگونه اطلاعاتی در مورد نتایج اقدام ایران اجتناب می‌کنند، ادعا دارند عملیات ایران به شکست انجامیده است. این ادعاها با سانسور شدیدی که نتانیاهو ایجاد کرده کاملا در تناقض است. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به وزیران کابینه این رژیم دستور داده از هرگونه اظهارنظر درباره عملیات تنبیهی موشکی و پهپادی ایران علیه سرزمین‌های اشغالی اجتناب کنند و از اجرای مصاحبه‌های خبری در این خصوص بپرهیزند. دامنه سانسور به مقامات رژیم صهیونیستی محدود نشده و رسانه‌های اسرائیل را نیز شامل می‌شود. در همین راستا شبکه ۲۴ رژیم صهیونیستی به عدم اجازه انتشار تصاویر حمله موشکی و پهپادی ایران به اراضی اشغالی اعتراف کرد و نوشت: «ما تصاویر و فیلم‌های بسیار بیشتری از حمله امشب ایران داریم که نمی‌توان همه آنها را منتشر کرد.» نشانه دیگری که برای جعلی بودن ادعاهای مقامات رژیم صهیونیستی وجود دارد، این است که آنها هیچ تصویری از لاشه‌های جمع‌آوری‌شده ارائه نداده‌اند که بتواند چنین عددی را اثبات کند. تعداد ۳۰۰ پرتابه رقمی نیست که مصاحبه درکنار لاشه یک موشک بتواند آن را اثبات کند.

تقلید از مدل عین‌الاسد

آنچه امروز صهیونیست‌ها در جعل روایت انجام می‌دهند تا بتوانند اثر اجتماعی شکست از ایران را کم‌رنگ کنند، درحقیقت همان مدلی است که پیش از این توسط ترامپ در ماجرای عین‌الاسد اجرایی می‌شد. پس از حمله موشکی ایران به عین‌الاسد ترامپ مدعی شد سربازان تنها دچار سردرد شده‌اند و چند مشکل دیگر پیدا کرده‌اند. کلمه سردرد به‌مرور جایش را به ضربه مغزی خفیف داد و آمار سربازانی که دچار ضربه مغزی شده بودند نیز روزبه‌روز بیشتر شد.

حدود دوسال بعد برخی سربازان آمریکایی به شبکه سی‌بی‌اس گفتند زیرفشار بودند تا جراحات فزاینده خود را کوچک نشان دهند تا از این طریق از تنش بیشتر با ایران پرهیز و درعین‌حال از زیرسوال رفتن عملکرد ترامپ جلوگیری شود. اگر تصاویر زنده از برخورد موشک‌های ایران به اهداف تعیین‌شده منتشر نمی‌شد بعید بود رژیم صهیونیستی همان یک درصد را هم اعلام کند.

فرار نتانیاهو از پاسخ مثل ترامپ

اگر شدت ضربه‌ای که ایران به عین‌الاسد و سربازان آمریکایی وارد کرده بود در همان روزهای ابتدایی اعلام می‌شد هم عملکرد رئیس جمهور وقت آمریکا در مدیریت تنش‌های منطقه‌ای زیرسوال می‌رفت و هم مطالبه پاسخ به اقدام ایران به‌وجود می‌آمد. مطالبه‌ای که مطابق اعتراف سربازان آمریکایی ترامپ نمی‌خواست به آن پاسخ دهد. ترس از واکنش مجدد ایران و متزلزل شدن پایه‌های قدرت، رئیس جمهور آمریکا را قانع کرد که به‌جای پاسخگویی واقعی به اقدام ایران روایتی غیرواقعی از ماجرا ارائه دهد و بحران به‌وجود آمده را پایان دهد.

شاید تجربه همین واکنش ایران بود که باعث شد کاخ سفید در چهارسال بعد از ماجرای عین‌الاسد از پاسخگویی به اقدام مشروع ایران اجتناب ورزد و رسما به متحد منطقه‌ای خود اعلام کند که در تقابل با ایران با او همراهی نخواهد کرد. حال به‌نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی همچون آمریکا درک واقعی‌تری از توان نظامی ایران پیدا کرده است. به همین دلیل علی‌رغم تهدیدهای مکرر به‌جای پاسخ‌دهی به اقدام ایران سعی در کوچک جلوه دادن آن دارد.